

اصول پنج‌گانه در برنامه‌ی اقتصادی

امام علی علیه السلام

چکیده: عدم وجود برنامه‌ی مدیریتی صحیح و دقیق برای اقتصاد یک جامعه، بنیاد اقتصادی آن را فرو می‌ریزد، این عدم اهتمام، فقر و تنگ‌دستی توده‌ی مردم و زیاده‌خواهی و ظلم سلطه‌جویان را به دنبال خواهد داشت. آنچه در حکومت عدل امیرمومنان علیه السلام ملموس است پایبندی امام به اصول مهم و اساسی در مدیریت اقتصادی جامعه می‌باشد. در این نوشتار پنج اصل از برنامه‌های اقتصادی امام علی علیه السلام - اصل ترویج و تشویق به کار و تولید، عدالت اقتصادی، اعتدال‌گرایی، امانت‌داری و تأمین رفاه عمومی - بررسی شده است.

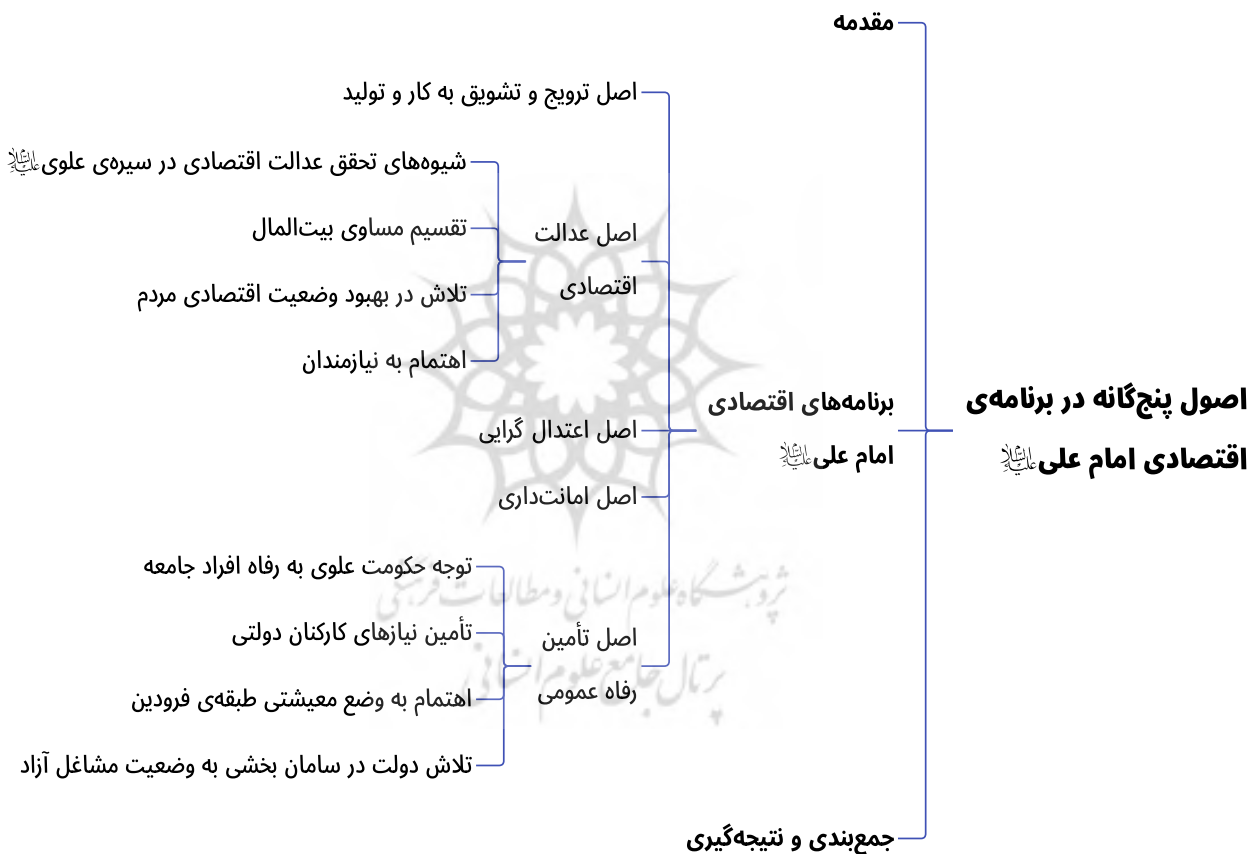
کلید واژه‌ها: امام علی علیه السلام، علم اقتصاد، تولید و اشتغال، عدالت اقتصادی، اعتدال، امانت‌داری، تأمین رفاه عمومی.

فاطمه ترابی

دانشجوی دکتری
علوم قرآن و حدیث
دانشگاه فردوسی مشهد
tf.torabi@gmail.com

پیشینه‌ی مقاله

دریافت: ۱۳۹۵/۵/۴
پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۷



۱. مقدمه

یکی از بهترین نشانه‌های شناخت آفریدگار جهان آفرینش، نظم دقیق نظام هستی و قوانین حاکم بر آن است. خداوند متعال همواره در قرآن کریم از جلوه‌های گوناگون این نظم حساب شده، پرده برمی‌دارد و انسان را با گوهر گران‌بهای هستی آشنا می‌سازد ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأُمْرَ﴾ (یونس، ۳). تدبیر امور به معنای تنظیم و ترتیب کارها و سامان دادن آنها به بهترین نحو است تا امور به عاقبت نیکو و نتیجه‌ی مطلوب برسد. (المصطفوی، ۱۳۶۰ ش، ج ۳، ص ۱۷۵) این تعریف، با مفهوم برنامه‌ریزی مطابق است. و در روایات رسیده از معصومان، در تأکید و تشویق به داشتن برنامه‌ریزی در زندگی، از این تعبیر استفاده شده: «صَلَّحِ الْعَيْشِ التَّدْبِيرُ» (الآمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۵۴). قرآن کریم نیز با روش‌های گوناگون بر نظم و برنامه‌ریزی تأکید نموده است، چنان‌چه در سوره‌ی یونس به تدبیرمندی در جهان آفرینش اشاره کرده است (یونس، ۳) و در سوره‌ی مبارکه‌ی نحل، انسان را از انجام کارهای بیهوده و بدون هدف و برنامه نهی می‌کند (نحل، ۹۲).

برنامه‌ریزی در سامان بخشی همه‌ی فعالیت‌های روزمره‌ی انسان، اهمیت بسیاری دارد. اما این مهم، در برنامه‌های مدیریتی، یکی از ضروریات اجتناب ناپذیر است. مدیریت بی‌برنامه به ثمر نمی‌نشیند و نابود می‌گردد. در عوض، یک مدیر اصول‌گرا، با برنامه‌ریزی، کارها را به عاقبتی نیکو سوق می‌دهد. چراکه هنر مدیریت، در خوب برنامه‌ریزی کردن است. امیرمؤمنان در این باره فرموده‌اند: أَمَارَاتُ الدُّوَلِ إِنْشَاءُ الْحِیْلِ. (آبادانی دولت‌ها در گرو چاره اندیشی است: الیثی الواسطی، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۲۷؛ الآمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۸۱۵)

۲. برنامه‌های اقتصادی امام علی علیه السلام

عدم وجود برنامه‌ی صحیح و دقیق برای اقتصاد یک جامعه، بنیاد اقتصادی آن را فرو می‌ریزد، و در نتیجه‌ی آن فقر و تنگ‌دستی توده‌ی مردم را فرامی‌گیرد. در جامعه‌ای که دچار چنین آسیبی می‌شود، زیاده‌خواهان و سلطه‌جویان بر مردم مسلط شده، ظلم و ستم، جامعه را به سوی تباهی می‌کشاند، عدالت از بین می‌رود و فقر و محرومیت، زندگی شرافتمندانه‌ی مردم را از آنان گرفته، و دشمنی و کینه جایگزین برابری و برادری می‌گردد. عدالت اقتصادی رخ برمی‌تابد و استکبار اقتصادی جلوه می‌یابد. همان‌گونه که پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام چنین شد، و تا آن‌جا پیش رفت که در دوران خلیفه‌ی سوم، به صورت چپاول اقتصادی درآمد، و مسکنت مالی جامعه به بحران کشیده شد. امام علی علیه السلام شاخصه‌ی این دوره را شکم‌بارگی ستمگر و گرسنگی ستم‌دیده معرفی نموده‌اند (سیدرضی، خطبه‌ی ۳). در این مقطع زمانی ثروت‌های عمومی به جای آنکه در اختیار مردم قرارگیرد، و وسیله‌ی حفظ حرمت و کرامت آنان باشد، در اختیار گروه خاصی قرار گرفت، و خورشید عدالتی که پیامبر عدالت‌پیشه‌ی اسلام، در سرزمین تاریک کفر تابانده بود، رو به زوال و نابودی گرائید (همان، خطبه‌ی ۱۲۹).

در چنین شرایطی بود که امام علی علیه السلام برای اصلاح جامعه برنامه‌ی اقتصادی ویژه‌ای، با هدف دفاع از مظلومان و کم کردن شکاف‌های طبقاتی در جامعه پی‌ریزی نمودند که البته بسیاری، تحمل این اصلاحات عدالت‌گرایانه را نداشتند (رک: ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۳۷).

برنامه‌ای که امام علی علیه السلام با هدف رونق اقتصادی در جامعه اجرا نمودند، دارای طرح‌هایی بود که از جمله‌ی آنها می‌توان به برنامه‌ریزی در جهت امنیت شغلی و رونق کسب و کار، عمران و آبادی مناطق تحت حکومت، توجه و حمایت از ستم‌دیدگان و محرومان جامعه، برنامه‌ریزی‌های مالیاتی و برنامه‌ریزی‌های تولیدی در بخش صنعت، بازرگانی و کشاورزی در رفع نیازهای جامعه اشاره نمود.

با توجه به نقش مهم بازرگانی، صنعت و تجارت در چرخه‌ی تولیدات داخلی، لازم است حکومت برای آن برنامه‌ریزی

کند و زمینه‌های مناسب پیش‌رفت این بخش مهم را فراهم سازد. در راستای این هدف، امام علی علیه السلام به همواره سفارش بازرگانان (سیدرضی، نامه‌ی ۵۳) و کشاورزان (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸۴؛ الحمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۸؛ الاحمدی المیانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۳۰۹؛ المجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ق، ج ۹۷، ص ۳۳) را به کارگزاران خود می‌نمودند و علاوه بر توجه و تشویق به کشاورزی، خود به کار و تولید در این بخش می‌پرداختند، و با درخت‌کاری و آبیاری مزارع و باغستان‌ها، بخش کشاورزی را رونق می‌بخشیدند (الفیض الکاظمی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۷، ص ۳۲؛ الحر العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۱؛ المجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۳۲).

از دیگر طرح‌های امام، در برنامه‌ریزی اقتصادی، حمایت از محرومان جامعه بود که این مهم، در حکومت عدل امیرمؤمنان، با روش‌های مختلفی انجام می‌گرفت. یکی از این روش‌ها، احداث باغ‌ها، نخلستان‌ها و چاه‌های پر آب بود که امام آنها را وقف مستمندان و محرومان می‌کرد. او با دستان خود کار می‌کرد. همواره زمین را کشت و آبیاری می‌کرد و هسته خرما را غرس می‌نمود و در عین حال بعد از آباد کردن، مزارع را وقف فقرا می‌نمود (رک: ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۱۴۷؛ نیز رک: الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۴).

از طرح‌های دیگری که در بخش اقتصادی، مورد توجه امام علیه السلام بود، اهمیت به عمران و آبادی شهره است (المحمودی، ۱۳۷۶ش، ج ۵، ص ۳۲؛ الیعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۳). عمران و آبادی آن‌چنان در حکومت علوی اهمیت دارد که امام علیه السلام در سفارش به مالک اشتر، آن را مهم‌تر از گرفتن مالیات می‌شمارد (سیدرضی، نامه ۵۳).

از دیگر کارهای امام علی علیه السلام در پیشبرد برنامه‌های اقتصادی، توجه به مالیات و برنامه‌ریزی‌های مالیاتی است که سهم بسیار مهمی در رونق اقتصادی و سامان یافتن وضع مردمان دارد. امام علیه السلام در این راستا، به مالک اشتر چنین توصیه می‌نمایند:

«و تَفَقَّدَ أَمْرَ الْخَرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَ صَلَاحِهِمْ صَلَاحاً لِمَنْ سِوَاهُمْ وَ لَا صَلَاحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخَرَاجِ وَ أَهْلِهِ» (همان) یعنی: مالیات و بیت‌المال را به گونه‌ای واری می‌کن که صلاح مالیات

دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد، و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت زیرا همه‌ی مردم نان خور مالیات و مالیات دهندگان هستند. در این پژوهش به چند اصل از اصولی که امیرمؤمنان علیه السلام در برنامه‌ریزی اقتصادی، بدان پایبند بودند، اشاره می‌شود. لازم به ذکر است که دو اصل کلان از اصول مدیریتی امام علیه السلام: (اصل مبارزه با نابسامانی‌های اقتصادی و اصل نظارت) در مقاله‌ای جداگانه، توسط نگارنده بررسی شده است.

۱.۲. اصل ترویج و تشویق به کار و تولید

در قرآن کریم به این مسأله تصریح شده که نعمت زمین به انسان داده شده، اما عمران و آبادی آن به خود انسان واگذار گردیده تا با کمک نعمت‌ها و توانایی‌های خدادادی، در راه نیل به سعادت و کمال قدم گذارد و به سرمنزل مقصود رسد: «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» یعنی: اوست که شما را از زمین پدید آورد و شما را به عمران آن واداشت. (هود، ۶۱)

امام علی علیه السلام نیز در خطبه‌ای، به نعمت توانایی انسان بر تسخیر و به‌کارگیری طبیعت اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

«أَلَا وَإِنَّ الْأَرْضَ الَّتِي تُقْلِكُمْ وَ السَّمَاءَ الَّتِي تُظَلِّكُم مَّطِيعَتَانِ لِرَبِّكُم وَ مَا أَصْبَحَتَا تَجُودَانِ لَكُمْ بِبَرَكَتِهِمَا تَوَجُّعاً لَكُمْ وَ لَا زُلْفَةً لِّإِنِّكُمْ وَ لَا لِحَيْرِ تَرْجُوَانِهِ مِنْكُمْ وَ لَكِنْ أُمِّرْتَا بِمَنَافِعِكُمْ فَأَطَاعَتَا وَ أَقِيمَتَا عَلَى حُدُودِ مَصَالِحِكُمْ فَقَامَتَا» (سیدرضی، خطبه‌ی ۱۴۳). یعنی: بدانید زمینی که شما را بر پشت خود می‌برد، و آسمانی که بر شما سایه می‌گسترده، پروردگار شما را فرمان بردارند و برکت آن دو بر شما نه از راه دل‌سوزی است و نه به خاطر نزدیکی جستن و نه به امید خیری است که از شما دارند، بلکه به سود شما مأمور شدند و گردن‌نهادند، و برای مصلحت شما برپاشان داشتند و ایستادند.

تلاش دولت علوی در تشویق به کار

در آموزه‌های علوی، فقر اقتصادی معلول پیوند فرهنگ کسالت، بی‌تحریکی، تنبلی و ناتوانی است:

«إِنِّي لَأَنْغِضُ الرَّجُلَ يَكُونُ كَسَلَانَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ» (التمیمی المغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۱۴).
یعنی: از مردی نفرت دارم که در کار دنیای خود تنبل باشد. آن کس که در کار دنیای خویش تنبل باشد، در کار آخرتش تنبل تر خواهد بود.

امیرمؤمنان علیه السلام بر بی‌نیازی و خودکفایی مردم در جامعه، بسیار اهمیت می‌دادند و در زدودن فقر و نیازمندی، شیوه‌های مختلف گفتاری (الحر العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۱۲؛ المجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۱۰۰؛ الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۴۹؛ الصدوق، الخصال، ۱۳۶۲ق، ج ۲، ص ۶۲۱) و عملی را در جامعه به کار می‌بستند و بسیار تلاش می‌کردند که راه‌های کار و اشتغال را برای همگان باز کنند تا هیچ‌کس به علت فقر و نداری، دست نیاز به سوی بندگان دراز نکند. در این جهت، امام علیه السلام برنامه‌های گوناگونی را پی‌ریزی نمودند. حضرت علاوه بر تشویق و حمایت مردم به کار و تولید، خود همواره با تلاش بسیار در تأمین معیشت خانواده‌اش (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۴؛ الحر العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۷؛ المجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۳۷) و توسعه‌ی بخش کشاورزی جامعه کار می‌کردند و به حقوقی که مانند دیگر افراد جامعه، از بیت‌المال دریافت می‌نمودند، بسنده نمی‌کردند.

سیره‌ی عملی امام علی علیه السلام اشتغال به کار مفید بود، بدون این‌که شکل کار برای ایشان مطرح باشد. حضرت، هیچ کاری را عار نمی‌دانست، و در هر شرایطی کار می‌کرد و با اینکه رهبر جامعه‌ی مسلمین بودند، چون فراغتی می‌یافتند، چاه می‌کنند، مزارع و نخلستان‌ها را آبیاری می‌کردند، بار حمل می‌نمودند و دست به هر کار مفیدی می‌زدند تا مخارج خود و خانواده‌ی خود را تأمین نمایند (الأربلی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۱۷۵؛ المجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۳۳).

امام علیه السلام بر احیای زمین همواره تأکید می‌ورزیدند، و چون یکی از چرخه‌های مهم تولید در جامعه، کشاورزی است، همواره مردم را به آبادانی و بهره‌وری از آن تشویق می‌کردند. حضرت یکی از وظایف اصلی فرماندهان و مسئولان را دفاع از حقوق کشاورزان می‌شمردند (الحمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۸؛ الاحمدی المیانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۳۰۹؛ المجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ق، ج ۹۷، ص ۳۳).

امیرمؤمنان علیه السلام به تولید سرمایه‌های انبوه برای آینده نیز توجه داشتند، و آن را برنامه‌ای در جهت بی‌نیازی آیندگان و رهایی از فقر و نداری در جامعه می‌دانستند. در تاریخ نقل شده: روزی حضرت را دیدند به همراه یک قطار شتر [با بار هسته‌ی خرما] به سوی صحرا در حرکت است، به او گفته شد: ای ابوالحسن این بارها چیست؟ فرمودند: درخت خرماست، اگر خدا بخواهد. امام آنها را کاشت و یکی را هم رد نکرد و همه سبز و درخت خرما شدند (الکلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۷۵؛ الفیض الکاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۷، ص ۳۲؛ الحر العاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۷، ص ۴۱؛ المجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۱، ص ۳۲).

امام با وقف زمین‌هایی که با دستاورد پرتوان خود، آنها را آباد کرده و در آنها چاه‌های عمیق و پر آب حفر نموده بود، برای خانواده‌ی خود، سرمایه‌ای ماندگار برجای نهاد. از توصیه‌های حکیمانه‌ی امیرمؤمنان علیه السلام، که در این وصیت‌نامه جلب توجه می‌کند، این است که امام تاکید می‌نماید، اصل زمین و درختان آن حفظ شود و فقط محصولات آن، منبع درآمد همسر و فرزندان امام قرار گیرد (سیدرضی، نامه‌ی ۲۴).

از دیگر برنامه‌های امام در رونق بخشیدن به کسب و کار در جامعه، حمایت و توجه به صنعت‌گران و تاجران می‌باشد. امام همواره آنان را در کاری که بدان مشغول بودند، تشویق می‌نمود و چنان‌چه در اصل برنامه‌ریزی بدان اشاره شد، از کارگزاران نیز می‌خواست از آنان حمایت نمایند. علاوه بر این، ایشان همواره مردم را به تجارت و کسب درآمد حلال، تشویق می‌نمودند:

«اتَّجِرُوا بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّ الرِّزْقَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٍ تَسَعُّهُ فِي التِّجَارَةِ وَوَاحِدَةٌ فِي غَيْرِهَا» (الصدوق، کتاب من لا يحضره الفقيه، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۱۹۲؛ الحلی، ۱۴۰۷ ق، ص ۸۲) یعنی: به تجارت و کسب پیردازید، خداوند به شما برکت عنایت فرماید، به راستی که من از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: روزی ده بخش است، نه بخش آن در تجارت است و یک بخش در غیر آن.

داشتن حرفه و صنعت، در جامعه اثرات مهمی در رونق اقتصادی آن خواهد گذاشت. صنعت‌گران در ایجاد اشتغال و

رفع بیکاری در جامعه، بسیار تأثیرگذار هستند. امام چنان به صنعت اهمیت می‌دادند که به آن صفت «گنج» (المشکینی، ۱۴۲۴ق، ص ۷۷) داده‌اند.

۲.۲. اصل عدالت اقتصادی

عدالت محوری‌ترین و بنیادی‌ترین مسأله‌ی حکومت علوی است. تا آن‌جا که حضرت در راه اجرای عدالت و گسترش قسط، شاهد شهادت نوشید. در مدیریت اقتصادی امام علی علیه السلام عدالت بدین معناست که «همه‌ی افراد جامعه از آسایش و رفاه زندگی برخوردار باشند و تفاوت‌ها و اختلافات شدید طبقاتی از میان آنان رخت بر بندد (حائری، ۱۳۷۸ ش، ص ۵۰). این امر جز با برقراری عدالت اقتصادی، محقق نمی‌گردد. مسأله‌ی عدالت از اصول مورد تأکید امام علی علیه السلام در زمان زمامداری و مدیریت ایشان بود. امیرمؤمنان علیه السلام همواره خود، سخت بدان پایبند بودند، و کارگزاران را نیز به پاسداری از این اصل مهم سفارش می‌نمودند. امام علیه السلام بر هیچ چیزی چون عدالت بدین اندازه ایستادگی نشان نداد و بر هیچ امری چون اجرای عدالت اصرار نورزید. چراکه در نگاه امام علیه السلام، گشایش همه در پایبندی به عدالت است (سیدرضی، خطبه ۱۵).

امیرمؤمنان علیه السلام زمانی رهبری مردم را پذیرفت که بی‌عدالتی در همه‌ی جنبه‌های حکومتی، مخصوصاً در بعد اقتصادی، بیداد می‌کرد و اموال و دارایی‌های مردمان تباه شده و بر اثر بی‌عدالتی‌ها و ستمگری‌های اقتصادی، انسانیت رو به تباهی و نابودی پیش می‌رفت (همان، خطبه‌ی ۱۲۹).

۱.۲.۲. شیوه‌های تحقق عدالت اقتصادی در سیره‌ی علوی علیه السلام

امیر عدالت ورزان، پس از در دست گرفتن حکومت، اقداماتی اساسی در جهت سامان بخشی اقتصادی در جامعه انجام داد. امام علیه السلام برای این امر از راه‌های مختلف، در دگرگونی ظلم اقتصادی و بی‌عدالتی استفاده کردند. یکی از این راه‌ها، تقسیم مساوی بیت‌المال بود. تلاش در جهت افزایش سرمایه‌های ملی و نیز اهتمام به بهبود وضعیت نیازمندان از دیگر برنامه‌های عدالت محور علوی بود.

۲.۲.۲. تقسیم مساوی بیت المال

امام علیه السلام نسبت به مردم نگرشی برخاسته از آموزه‌های قرآنی (الحجرات، ۱۳) داشتند. ایشان به همه‌ی مردم به طور مساوی می‌نگریست و در رعایت مساوات بین افراد جامعه، از هر روشی استفاده می‌کرد. نگاه امام به مساوات و مبنای آن، چنین بود:

«الرِّزْقُ مَقْسُومٌ وَ الْأَيَّامُ دَوْلٌ» (الصدوق، الأمالی، ۱۳۷۶ق، ص ۲۴۰؛ ابن شعبه الحرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۷). یعنی: روزی قسمت شده، و روزگار در تغییر و تبدیل است.

تقسیم مساوی اموال عمومی بین مردم توسط امام علی علیه السلام با آن چه سال‌های پیش بر مردم روا شده بود، تضاد داشت. از این رو این مسأله برای عده‌ای بهره‌ور و متمتع، بسی گران آمد. در نگاه عدالت‌پیشه‌ی امام علیه السلام رنگ چهره‌ی مسلمانان، قبیله و طایفه و وابستگی‌های اجتماعی افراد در بهره‌وری آنان از بیت‌المال، تفاوتی ایجاد نمی‌کرد؛ آن‌گونه که حتی بردگان آزاد شده با اربابان گذشته‌ی خود، در این جهت مساوی بودند (الصدوق، الأمالی، ۱۳۷۶ق، ص ۶۸۶؛ المجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ق، ج ۳۲، ص ۳۸).

این برخورد عدالت‌گرایانه‌ی امام، همواره مخالفت‌هایی در پی داشت اما امیرمؤمنان علیه السلام با قاطعیت در برابر این مخالف‌ها ایستادند و هرگز از مرز عدالت‌خواهی فراتر نرفتند:

«أَنَّ امْرَأَتَيْنِ أَتَتَا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الْقِسْمَةِ إِحْدَاهُمَا مِنَ الْعَرَبِ وَ الْأُخْرَى مِنَ الْمَوَالِي فَأَعْطَى كُلَّ وَاحِدَةٍ خَمْسَةً وَ عَشْرِينَ دِرْهَمًا وَ كُرًّا مِنَ الطَّعَامِ فَقَالَتِ الْعَرَبِيَّةُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي امْرَأَةٌ مِنَ الْعَرَبِ وَ هَذِهِ امْرَأَةٌ مِنَ الْعَجَمِ فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي لَا أُجِدُ لِبَنِي إِسْمَاعِيلَ فِي هَذَا الْقَيْءِ فَضْلًا عَلَى بَنِي إِسْحَاقَ» (ابن هلال الثقفی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۰۰؛ الحر العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۱۰۷؛ المجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ق، ج ۳۴، ص ۳۵۰) یعنی: دو زن، به هنگام تقسیم نزد علی علیه السلام آمدند، یکی از آن دو عرب بود و دیگری غیر عرب؛ امام به هر یک از ایشان بیست و پنج درهم و پیمان‌های بزرگ گندم داد. زن عرب گفت: ای امیرمؤمنان! من زنی از عربم و این زنی از عجم؟ علی علیه السلام فرمود:

به خدای سوگند که من در این مال عمومی (اموال بیت‌المال) هیچ برتری برای فرزندان اسماعیل نسبت به فرزندان اسحاق نمی‌بینم.

نقل‌های تاریخی بسیاری درباره‌ی سیره‌ی عدالت‌گرایانه‌ی امام علیه السلام در تقسیم بیت‌المال وجود دارد که به برخی از آنها اشاره شد. یکی از این برخوردهای قاطع امام علیه السلام در این زمینه، داستان مشهور عقیل، برادر حضرت، مبنی بر تقاضای اصرار آمیز او بر دریافت سهم بیشتری از بیت‌المال و امتناع حضرت از این کار است (الصدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۲۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۲۴۵؛ المجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۱۱۴).

۳.۲.۲. تلاش در بهبود وضعیت اقتصادی مردم

از جمله برنامه‌های اصلاحی امیرمؤمنان علیه السلام در برقراری عدالت اقتصادی، تلاش در جهت افزایش سرمایه‌های ملی بود که نتیجه‌ی آن رفاه و آسایش زندگی مردم است.

در ابتدا امام علیه السلام با اصلاح نگرش درست به ثروت و دارایی، که نقش مهمی در زمینه‌سازی عدالت دارد، سعی می‌کند زمینه‌های رشد اقتصادی را برای آنان فراهم آورد، چراکه اگر در جامعه‌ای به نقش دارایی و ثروت، نگاهی منفی وجود داشته باشد، و بهره‌مندی از امکانات اقتصادی، ضد ارزش تلقی گردد، مانعی اساسی در زمینه‌سازی عدالت اقتصادی ایجاد می‌شود. امام علی علیه السلام در انتقال نگاه مثبت خویش به نعمت‌های الهی و دارایی‌های خدادادی در خطبه‌ای ارزشمند زمین و آسمان را مأمور رساندن برکات و منافع به انسان معرفی نمودند (سیدرضی، خطبه ۱۴۳).

در قرآن کریم یکی از عوامل ستم اقتصادی، بی‌تدبیری در بهره‌گیری از اموال و دارایی ذکر شده است (النساء، ۵). امیرمؤمنان علیه السلام نیز با توجه به این آموزه‌ی قرآنی، یکی از دلایل ظلم اقتصادی را بی‌تدبیری مدیران در سرپرستی امور مردم برمی‌شمردند (سیدرضی، نامه ۶۲) و درآموزه‌های ارزشمندشان، بهره‌مندی از دارایی و ثروت، را بهترین امکان برای سالم زیستن معرفی نمودند (همان، حکمت ۳۸۸؛ ابن شعبه الحرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۳۳۷). امیرمؤمنان علیه السلام با چنین رویکرد مثبت اندیشانه به دارایی‌های مردم، از مالک اشتر می‌خواهد، نیازهای

کارمندان دولتی را با احتساب درآمد کافی و وافی به ایشان، برآورده نماید:

«ثُمَّ أَسْبِغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَ غِنَى لَهُمْ عَنْ تَتَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ» (سیدرضی، نامه‌ی ۵۳) یعنی: سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر بکوشند، و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نزنند.

۴.۲.۲. اهتمام به نیازمندان

از دیگر برنامه‌های امام علی علیه السلام در ایجاد عدالت اقتصادی، اهتمام به نیازمندان و برآوردن نیازهای آنان بود. امام علیه السلام همواره بر این امر تأکید می‌ورزیدند و امرا و فرماندهان را نیز بدان فرا می‌خواندند (همو، نامه‌ی ۵۳). حکومتی که در آن، امکانات و دارایی‌ها به درستی و بر موازین حق و عدالت توزیع گردد و حقوق همگان رعایت شود، دارای عدالت اقتصادی است. حکومت علوی، چنین حکومتی بود که توانست در تاریخ مانند خورشیدی تابان بدرخشد و روشن‌گر رهبران و مدیران همه‌ی نسل‌ها گردد.

۳.۲. اصل اعتدال‌گرایی

اعتدال و میانه‌روی به معنای گزینش راه وسط و عدم تمایل به افراط و تفریط است. این مفهوم در منابع اسلامی، با الفاظی چون «قصد» و «وسط» بیان شده است. «قصد» در هر چیزی به معنای میانه‌ی افراط و تفریط (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۵۳؛ الفراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۵۵) و حد اعتدال (الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۷۲) در آن است. در قرآن کریم نیز، خداوند متعال از به‌کار بردن این واژه، چنین معنایی را اراده فرموده است (لقمان، ۱۹). «وسط» هر چیز، نقطه‌ای است که دو طرف مساوی برای آن منظور شود (الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۶۹) و به معنای چیزی است که میانه‌ی دو طرف قرار گرفته باشد، نه جزو آن طرف باشد، نه جزو این طرف. این معنا در قرآن، برای امت اسلامی به‌کار رفته است (البقره، ۱۴۳). خدا امت پیامبر را «امت وسط» نام نهاده، یعنی برای آنان دینی قرار داده که

متدینین به آن دین را، به سوی راه وسط و میانه هدایت می‌کند، راهی که نه افراط مشرکین و و ثنی‌ها (که تنها جانب مادیت را گرفته‌اند، جز زندگی دنیا و استكمال جنبه مادیت خود، چیز دیگری نمی‌خواهند، نه امید بعثی دارند، نه احتمال نشوری می‌دهند و نه کمترین اعتنایی به فضائل معنوی و روحی دارند) را دارد، و نه تفریط برخی دیگر مانند مسیحیان را دارد (که تنها جانب روح را تقویت نموده، جز به ترک دنیا و رهبانیت دعوت نمی‌کنند، آنها تنها دعوتشان این است که بشر، کمالات جسمی و مادی را، که خدا در مظاهر این نشئه‌ی مادی ظهورش داده، ترک بگویند، تا این ترک گفتن وسیله کاملی شود برای رسیدن به آن هدفی که خدا انسان را به خاطر آن آفریده). بلکه به راهی هدایت می‌کند که هر دو طرف را تقویت می‌کند، هم جانب جسم را، و هم جانب روح را. و میانه‌ی هر دو فضیلت را جمع کرده است. چراکه انسان دارای دو جنبه است، یکی جسم، و یکی روح، نه جسم تنها است، و نه روح تنها، و در نتیجه اگر بخواهد به سعادت زندگی برسد، به هر دو کمال، و هر دو سعادت نیازمند است، هم مادی و هم معنوی (رک: الطباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، صص ۳۱۹-۳۲۰). بنابراین، رعایت اصل اعتدال، در سامان بخشی به زندگی بسیار مؤثر است. این اصل که در قرآن بدان عنایت زیادی شده، در زندگی نورانی و سراسر رحمت پیامبر اکرم و ائمه‌ی هدی در تمامی اعمال و رفتار ایشان جلوه‌گر است و هرکس که بخواهد از تندروری و کندروی برکنار باشد، و زندگی‌اش بر مدار تعادل قرار گیرد، باید به سیره‌ی اهل بیت که بر اساس مبانی تربیت قرآنی شکل گرفته، تمسک جوید، و پیرو صراط مستقیم آنان باشد. چراکه امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند:

«نَحْنُ التَّمْرُقَةُ الْوُسْطَى بِهَا يَلْحَقُ التَّلَى وَ إِلَيْهَا يَزْجَعُ الْعَالَى» (سیدرضی، حکمت ۱۰۹؛ الآمدی، ۱۳۶۶ش، ص ۱۱۶).

یعنی: ما تکیه‌گاه میانه‌ایم، عقب ماندگان به ما می‌رسند، و پیش تاختگان به ما باز می‌گردند.

افراط و تفریط از جهل انسان سرچشمه گرفته و راه سلامت فرد و جامعه را می‌بندند (الآمدی، ۱۳۶۶ش، ص ۵۹۶) به گونه‌ای که ریشه‌ی بسیاری از انحرافات فردی و اجتماعی را می‌توان در عدم رعایت اصل اعتدال دانست (ابن شعبه الحرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۱۱۳؛ ابن طاووس، ۱۳۷۵ش، ص ۲۳۳؛ الدیلمی،

۱۴۰۸ ق، ص ۲۸۸؛ الحلوانی، ۱۴۰۸ ق، ص ۵۹).

اعتدال گرایی در سیره‌ی امام علی علیه السلام

از آغازین روزهای ظهور دین مقدس اسلام تا کنون، دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضادی نسبت به دنیا و اموال آن، کار و سرمایه‌گذاری، تلاش در بدست آوردن روزی و ... وجود داشته است. برخی چنان به جمع‌آوری سرمایه و انباشتن سکه‌های زر و نقره دل بستند که حاضر شدند ارزش‌های اخلاقی و انسانی خود را فدا کنند. در نتیجه از اسلام و ایمان فاصله گرفتند. در مقابل، گروهی با رواج فرهنگ عزلت‌گزینی، از ترک دنیا سخن گفتند، و کار و تلاش و سرمایه‌گذاری را زیر سوال برده، فقر و نداری را توصیه می‌نمودند. در میانه‌ی این افراط و تفریط‌ها، اسلام راهی میانه را پیش گرفت و بدان توصیه نمود.

آنکه در تداوم خودپرستی‌ها، تنها به جمع‌آوری اموال می‌اندیشد، نمی‌تواند به ایثار و انفاق اجتماعی بیندیشد، و به تعالی و رشد افراد جامعه کمک نمایند، و آن کسی که با زیر سوال بردن کار و کوشش، فقر و نداری را توصیه و رواج می‌دهد و در معیشت خود و خانواده‌اش حیران مانده، چگونه می‌تواند فرد مفیدی برای جامعه باشد؟ قرآن کریم هر دو گروه را توبیخ می‌کند و به دنیا پرستان مال دوست وعده‌ی دردناک جهنم می‌دهد (توبه، ۳۴؛ القصص، ۷۷). از سوی دیگر، رهبانیت و ترک دنیا را بدعت اختراعی برخی از منحرفان مسیحی، معرفی می‌کند (الحدید، ۲۷). در میان این افکار و اندیشه‌های متفاوت بشری، آنچه برای امت اسلامی مهم است، الگوهای رفتاری رهبران معصوم است که اگر به درستی ارزیابی گردد، آداب و رفتار مردمان در جامعه، بر اساس وحی الهی تنظیم خواهد شد، و جامعه از هرگونه افراط و تفریط، مصون خواهد ماند. امیرمؤمنان علیه السلام همواره با توصیه‌های حکمت‌آمیز خود در تعدیل رفتارهای مردم می‌کوشیدند. در روایتی نقل شده، وقتی امام خانه‌ی بسیار مجلل و باشکوه عبدالله بن زیاد حارثی را دید، به او فرمود:

«مَا كُنْتَ تَصْنَعُ بِسَعَةِ هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا وَ أَنْتَ لِيَّهَا فِي الْأَخِرَةِ كُنْتَ أَحْوَجَ» (سیدرضی، خطبه‌ی ۲۰۹؛ المجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۳۶۳؛ المجلسی، مرآة العقول، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۰، ص ۳۳۶؛ الراوندی، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۳۰)

یعنی: با این خانه وسیع در دنیا چه می‌کنی؟ در حالی که در آخرت به آن نیازمندتری.

سپس در تعدیل همین ثروت به او چنین توصیه نمود:

«وَبَلَىٰ إِنْ شِئْتَ بَلَّغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ تَقْرَىٰ فِيهَا الضَّيْفَ وَ تَصِلُ فِيهَا الرَّحِمَ وَ تَطْلُعُ مِنْهَا الْحُقُوقَ مَطَالِعَهَا فَإِذَا أَنْتَ قَدْ بَلَّغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ». (همان منبع) یعنی: آری اگر بخواهی می‌توانی با همین خانه به آخرت برسی! در این خانه وسیع مهمانان را پذیرایی کنی، به خویشاوندان با نیکوکاری ببیوندی، و حقوقی که برگردن تو است به صاحبان حق برسانی، پس آن‌گاه تو با همین خانه وسیع به آخرت نیز می‌توانی پرداخت.

بعد از این رهنمودهای حکیمانه، علاء بن زیاد خدمت امام علیه السلام رسید و از برادرش عاصم که به ترک دنیا روی آورده بود، شکایت کرد، و گفت: برادرم عباپی بردوش می‌اندازد و به بیابان‌ها و کوه‌ها می‌رود و فقط عبادت می‌کند، و نسبت به تأمین معیشت خانواده‌اش بی‌تفاوت است. امام علیه السلام عاصم بن زیاد را فراخواند و خطاب به او فرمود: «يَا عَدِيَّ نَفْسِيهِ لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكَ الْخَبِيثُ أَمَا رَحِمْتَ أَهْلَكَ وَ وُلْدَكَ أَ تَرَى اللَّهَ أَحَلَّ لَكَ الطَّيِّبَاتِ وَ هُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا أَنْتَ أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ». (همان منبع) یعنی: ای دشمنک جان خویش! شیطان سرگردانت کرده، آیا تو به زن و فرزندان رحمت نمی‌کنی؟ تو می‌پنداری که خداوند نعمت‌های پاکیزه‌اش را حلال کرده، اما دوست ندارد تو از آنها استفاده کنی؟ تو در برابر خدا کوچک‌تر از آنی که این‌گونه با تو رفتار کند.

از جمله شاخصه‌های برجسته‌ی سیره‌ی مدیریتی امام علی علیه السلام اعتدال و میانه‌روی در همه‌ی امور است. به همین دلیل حکومت ایشان، حکومتی نمونه و مدیریت آن حضرت مدیریتی بی‌نقص بود. امام هرگونه افراط و تفریط، انحراف به چپ و راست را گمراهی و از روی جهل معرفی می‌نماید، و معتقد است جز بر اساس اعتدال و میانه‌روی نمی‌توان به عاقبتی نیکو دست یافت.

آموزه‌های امیرمؤمنان علیه السلام به ما می‌آموزد که با حاکمیت اقتصادی معتدل است که فقر زدوده می‌شود و سلامت و بسامانی جامعه تضمین می‌گردد (سیدرضی، حکمت ۱۴۰؛ أبو الحسین و زام بن أبی فراس، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۲۳۰؛ ابن

ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۸، ص ۳۳۸) علاوه بر این در حوزه‌ی رفتاری نیز امام، با نظارت دقیقی که بر کارگزارانش داشت، همواره راه بی‌اعتدالی اقتصادی را سد می‌کرد، و هرگز اجازه نمی‌داد جامعه‌ی تحت حکومت ایشان در اقتصادی نامتعادل فرو رود. ایشان در نامه‌ای که به زیاد بن ابیه، قائم‌مقام عبدالله بن عباس، استاندار بصره نوشت، وی را به میانه‌روی توصیه کردند (سیدرضی، نامه‌ی ۲۱).

در نگاه امیرمؤمنان، ساختار وجودی انسان به گونه‌ای است که هر گونه افراط و تفریط، به آن، آسیب می‌رساند و او را از مسیر سلامت انسان دور می‌کند (همان، حکمت ۱۰۸)

۴.۲. اصل امانت‌داری

واژه‌ی «امانة» که در مقابل «خیانة» قرار دارد، به معنای حفظ و پاسداشت حقوق (مالی و غیر مالی) دیگران است. این واژه از ریشه‌ی «أَمِنَ» به معنای سکون، امنیت، ضد خوف و اضطراب گرفته شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳، ص ۲۱؛ الفراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۳۸۸؛ المصطفوی، ۱۳۶۰ ش، ج ۱، ص ۱۵۰). بنابراین «امین» به شخصی گفته می‌شود که توانایی و ظرفیت مهار نفس را چنان در خود تقویت نموده که می‌تواند از عهده‌ی حفظ و صیانت حقوق (مالی و غیر مالی) دیگران به خوبی و نیکویی، برآید. فرد امین با چنین فضیلتی است که آرامش و امنیت را به افراد می‌بخشد و ترس و دلهره را از آنان می‌زداید.

قرآن کریم در آیات بسیاری، مخاطبان خود را به این منش اخلاقی پسندیده دعوت می‌کند و صاحبان چنین فضیلتی را به پاداش عظیم بشارت می‌دهد (المؤمنون، ۸ و ۱۱) و به دلیل اهمیت بسیاری که امانت‌داری، در زدودن مشکلات اجتماعی دارد و اطمینان و آرامشی که به افراد جامعه می‌بخشد، خداوند حکیم و علیم، به همه‌ی مسلمانان دستور می‌دهد که امانت‌دار باشند و امانات را به صاحبان آنها بازگردانند (النساء، ۵۸).

پاسداشت امانت‌داری در سیره‌ی مدیریتی امام علی علیه السلام

یکی از معیارهای مهم در سپردن مناصب اجتماعی به افراد، امانت‌داری آنان است. چراکه واگذاری پست‌ها و مناصب اجتماعی به افراد خیانت‌کار، موجبات بحران اجتماعی را به همراه خواهد داشت. در چنین جامعه‌ای، افراد، با شک و تردید به اعمال و رفتار یکدیگر می‌نگرند و همدلی و همراهی از آن جامعه رخت بر می‌بندد.

از اصلی‌ترین ویژگی مدیران، تلقی امانت‌دارانه از کار و مسئولیت است. اگر مسئولان، کار و مسئولیت‌های سپرده شده را با چنین رویکردی انجام دهند، در صورت داشتن توان کفایت امور، کارها به بهترین نحو انجام خواهد شد. به همین دلیل معیار اصلی امیرمؤمنان علیه السلام (که همواره به عدالت اجتماعی می‌اندیشید) در واگذارن مسئولیت‌ها به افراد، امانت‌داری آنان به همراه کفایت‌مندی‌شان بود (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۰، ص ۲۷۶). اگر در سپردن مسئولیت‌ها به اشخاص، امانت‌داری آنان نادیده گرفته شود، راه خیانت و تباهی در مدیریت گشوده خواهد شد. امام در نامه‌ای به رفاعه نوشت:

«اعْلَمْ يَا رِفَاعَةُ أَنَّ هَذِهِ الْإِمَارَةَ أَمَانَةٌ فَمَنْ جَعَلَهَا خِيَانَةً فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مِنْ اسْتَعْمَلَ خَائِنًا فَإِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَرِيءٌ مِنْهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (التمیمی‌المغربی، ۱۳۸۵ ش، ج ۲، ص ۵۳۱؛ النوری الطبرسی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۷، ص ۳۵۵) یعنی: بدان ای رفاعه! که این حکمرانی، امانت است. هر که در آن خیانت ورزد، تا روز رستاخیز از رحمت خدا دور باشد، و هر کس خیانت کاری را به کار گمارد، حقیقتاً محمد (صلی الله علیه و آله) در دنیا و آخرت از او بیزار است.

مناصب حکومتی اماناتی است که بر عهده‌ی مدیران و مسئولان گزارده می‌شود. پس این افراد باید از پست و مقام خود در جهت رضایت عامه‌ی مردم استفاده کنند، و از مال‌اندوزی و شخصیت‌گرایی نامطلوب و رشوه‌خواری و ... بپرهیزند. امام علی علیه السلام در نامه‌ای که به عبدالله بن عباس می‌نویسد، او را به خاطر سوء استفاده از مقام و موقعیتش توبیخ کرده و از حساب‌رسی خداوند که سخت‌تر از حساب‌رسی مردم است بر حذر می‌دارد (العرشی، ۱۳۵۱ ش، ص ۶۰؛ سیدرضی،

نامه‌ی ۴۰).

هر مدیری باید بتواند حریم و حیثیت مردم، حقوق و حدود آنان، و امکانات و دارایی‌های عمومی را امانت‌دارانه پاس بدارد. در غیر این صورت در دنیا و آخرت رسوا خواهد شد:

«مَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ وَ رَتَعَ فِي الْخِيَانَةِ وَ لَمْ يُنَبِّهْ نَفْسَهُ وَ دِينَهُ عَنْهَا فَقَدْ أَحَلَّ بِنَفْسِهِ الذُّلَّ وَ الْخِزْيَ فِي الدُّنْيَا وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ أَذَلُّ وَ أَخْزَى وَ إِنَّ أَعْظَمَ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْأُمَّةِ وَ أَفْظَعَ الْغِشِّ غِشُّ الْأَيْمَةِ» (سیدرضی، نامه‌ی ۲۶). یعنی: کسی که امانت را خوار شمارد، و دست به خیانت آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته، و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده، و در قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود، و همانا بزرگ‌ترین خیانت! خیانت به ملت، و رسواترین دغل‌کاری، دغل‌بازی با امامان است.

در عرصه‌ی اقتصادی، امانت‌داری ارزشی ویژه می‌یابد. فرد امین به عنوان بدنه‌ی اصلی یک جامعه عمل می‌کند، اموال و دارایی‌های مردم را در نزد خود امانت می‌شمارد، و به دقت از آنان پاسداری می‌نماید. امام علی علیه السلام این مسئله را به خوبی برای فرماندار خود، اشعث بن قیس، در آذربایجان تبیین می‌نماید (همان، نامه‌ی ۵)

امام علی علیه السلام از خیانت و سوء استفاده مالی کارگزاران به شدت خشمگین می‌شدند و با آنان سخت برخورد می‌نمودند. ایشان در نامه‌ی تندى که به زیاد بن ابیه نوشت، او را از خیانت در اموال عمومی هشدار دادند و وی را به درماندگی و خواری تهدید کردند (همان، نامه‌ی ۲۰).

امام علی علیه السلام بر همه‌ی اموری که به اقتصاد جامعه مربوط می‌شد، دقیقاً نظارت می‌کرد و کارگزاران را همواره به امانت‌داری سفارش می‌نمود و سعی می‌کردند نوع نگاه و بینش کارگزاران را به کار و مسؤولیتشان تغییر دهند و به آنها یادآوری می‌کردند که این شغل، امانتی است از جانب خداوند و نباید در برابر آن مغرور شوند. هم‌چنین نباید به این کار به دید یک منصب بنگرند، بلکه باید به مردم تعهد بسپارند و امانتی را که به دست آنها سپرده شده، به نحو احسن نگه دارند (همان، نامه‌ی ۲۶).

۵.۲. اصل تأمین رفاه عمومی

یکی از وظایف حاکمان و رهبران، اتخاذ سیاست‌های صحیح اقتصادی و برنامه‌ریزی، در جهت افزایش قدرت اقتصادی مردم و رفاه اجتماعی آنان است. توجه به ثروت‌های عمومی و تلاش در افزایش آن، سرمایه‌گذاری‌های کلان، رسیدگی به وضع مالیات و ایجاد زمینه‌های شغلی مناسب برای مردم، مسببات رفاه و آسایش را برای آنان فراهم می‌کند. مسئولیتی که زمامداران در قبال مردم دارند، این است که از انباشته شدن ثروت در دست توانگران، جلوگیری کنند و زمینه‌های فقر و تنگ دستی مردم را، با برنامه‌ریزی دقیق، از بین ببرند و بدین ترتیب طبقه‌ی کم‌درآمد و فرودست جامعه را نیز در جهت دستیابی به نیازهای ضروری زندگی یاری رسانند. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره تأکید می‌کنند که گرسنگی و تنگ دستی عده‌ای، معلول بهره‌وری‌های بدون مرز عده‌ای دیگر و گشاده دستی توانگران است.

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَعْيَانِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ عَنِّي وَاللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ» (سیدرضی، حکمت ۳۲۸). یعنی: خدا روزی تهیدستان را در اموال ثروتمندان قرار داده است، پس اگر گرسنه و برهنه بمانند، سبب آن، گناه ثروتمندان است.

نیز فرمودند:

«مَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ عَنِّي» (الحلی، ۱۴۲۱ ق، ص ۳۸۵) یعنی: فقیری گرسنه نمی‌ماند مگر به سبب آنکه ثروتمندی حق او را باز می‌دارد.

در نگاه پر مهر امیرمؤمنان علیه السلام، فقر و نداری، بزرگ‌ترین مانع تربیت و اصلاح مردم است. امام علی علیه السلام فقر را مایه‌ی نقصان دین و آشفته‌گی ذهن و اندیشه و سبب کینه و دشمنی می‌داند. ایشان به فرزندش محمدبن حنفیه در این باره فرمودند:

«يَا بُنَيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ» (سیدرضی، حکمت ۳۱۹). یعنی: ای فرزندم! من از تهیدستی بر تو هراسانم، از فقر به خدا پناه ببر، که همانا فقر، دین انسان را

ناقص، و عقل را سرگردان، و عامل دشمنی است.

در اندیشه‌ی امام علی علیه السلام رفاه زندگی که در پی روزی کافی می‌آید، سبب سوق دادن مردم به پاکی و آسایش است. حضرت، بهترین وسیله‌ی پاک دامنی را کفاف در زندگی معرفی می‌کند:

«مَنْ افْتَتَحَ بِالْكَفَافِ اَدَاهُ اِلَى الْعَفَافِ» (الآمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۹۳) یعنی: هرکس به اندازه کفاف قناعت کند، او را به عفاف خواهد رسانید.

با چنین نگرشی است که امیرمؤمنان علیه السلام گام‌های مؤثری در جهت رفاه و آسایش زندگی مردم برداشتند و تأمین نیازهای اساسی زندگی شهروندان، اعم از کارگزاران، تهیدستان و دیگر افراد جامعه را، اصلی اساسی در سیره‌ی مدیریتی خویش قرار دادند. امام علیه السلام در همین جهت و در همان روزگار کوتاه، با آن همه توطئه‌ها و کارشکنی‌ها، کوفه را به جایی رساند که خود فرمودند:

«مَا أَصْبَحَ بِالْكُوفَةِ أَحَدًا إِلَّا نَاعِمًا إِنَّ أَدْنَاهُمْ مَنْزِلَةً لِيَأْكُلَ الْبُرَّ وَيَجْلِسَ فِي الظِّلِّ وَيَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ش، ج ۲، ص ۹۹؛ المجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۳۲۷) یعنی: در کوفه کسی شب را به صبح نمی‌رساند مگر با یک زندگی راحت، پایین‌ترین مردم از نظر شغل نان‌گندم می‌خورند، و خانه دارند، و از آب گوارا (فرات) می‌نوشند.

۱.۵.۲. توجه حکومت علوی به رفاه افراد جامعه

در یک نگرش واقع‌گرایانه نسبت به جامعه، می‌توان دریافت که گروه‌هایی از اقشار جامعه، بدون توجه و حمایت دولت، نمی‌توانند رفاه خود و خانواده خود را تأمین نمایند. به همین سبب، جامعه به یک برنامه‌ی اقتصادی جامع و حساب شده نیاز دارد تا با شناخت نیازهای اقشار مختلف جامعه، در جهت رفاه عمومی همگان، گام بردارد و پایه‌های دست‌یابی به عدالت اقتصادی را محکم سازد. امام علی علیه السلام در عهدنامه‌ی مالک اشتر به این واقعیت اشاره می‌کند و توجه به حقوق همه‌ی گروه‌های اجتماعی را، مسئولیت دولت و زمامداران برمی‌شمارد:

«وَأَعْلَمُ أَنَّ الرِّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا يَبْعُضُ وَلَا غِنَى بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ فَمِنْهَا جُنُودُ اللَّهِ وَ مِنْهَا كُتَّابُ الْعَامَّةِ وَ الْخَاصَّةِ وَ مِنْهَا قُضَاةُ الْعَدْلِ وَ مِنْهَا عُمَّالُ الْإِنصَافِ وَ الرِّفْقِ وَ مِنْهَا أَهْلُ الْجِزْيَةِ وَ الْخَرَاجِ مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ وَ مُسْلِمَةِ النَّاسِ وَ مِنْهَا التُّجَّارُ وَ أَهْلُ الصِّنَاعَاتِ وَ مِنْهَا الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ ذَوِي الْحَاجَةِ وَ الْمَسْكِنَةِ وَ كُلُّ قَدْ سَمَى اللَّهُ لَهُ سَهْمَهُ وَ وَضَعَ عَلَى حَدِّهِ فَرِيضَةً فِي كِتَابِهِ أَوْ شَيْئَةً نَبِيَّهِ صَ عَهْدًا مِنْهُ عِنْدَنَا مَحْفُوظًا» (سیدرضی، نامه‌ی ۵۳). یعنی: بدان مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد، و هیچ‌یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست. از آن قشرها، لشکریان خدا، و نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستر، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی، جزیه دهندگان، پرداخت کنندگان مالیات، تجار و بازرگانان، صاحبان صنعت و پیشه‌وران، و نیز طبقه پایین جامعه، یعنی نیازمندان و مستمندان می‌باشند، که برای هر یک خداوند سهمی مقرر داشته، و مقدار واجب آن را در قرآن یا سنت پیامبر تعیین کرده که پیمانی از طرف خداست و نگه‌داری آن بر ما لازم است.

یکی از اهداف مهم حکومت عدل علوی، فراهم آوردن رفاه و آسایش، و تحقق کفاف در زندگی، برای همه‌ی اقشار جامعه بود. آن‌چه به تحقق این هدف کمک می‌کند، برنامه‌ریزی صحیح و اصولی برای اقتصاد جامعه است، برنامه‌ای که به همه‌ی اقشار مختلف جامعه می‌نگرد و برای رفاه هر گروه طرحی ارائه می‌دهد.

در جامعه‌ی عصر امیرمؤمنان علیه السلام سه گروه عمده‌ی مردمی وجود داشت که امام، علاوه بر توجه به رفاه عموم مردم، برای نیازهای این سه گروه نیز برنامه‌های متعددی اجرا می‌نمود. این سه گروه عبارت بودند از: کارگزاران، قاضیان و همه‌ی آنان که در مناصب دولتی کار می‌کردند؛ افراد ناتوان، از کار افتادگان، تنگ‌دستان و به طور کلی طبقه‌ی فرودین جامعه و گروه سوم صاحبان مشاغل آزاد بودند، که در حکومت عدل امیرمؤمنان علیه السلام به امور همه‌ی آنان رسیدگی می‌شد.

۲.۵.۲. تأمین نیازهای کارکنان دولتی

امام علی علیه السلام در نامه‌ی که به مالک اشتر می‌نویسد، از او می‌خواند کارگزارانش را از حقوق کافی بهره‌مند سازد:

«تُمْ أَنْظُرْ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِبَارًا... ثُمَّ أَسْبِغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَ غِنَى

لَهُمْ عَنِ تَتَاوُلٍ مَا تَحْتِ أَيْدِيهِمْ وَ حُجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ أَوْ تَلَمَّوْا أَمَانَتَكَ» (همان) یعنی: سپس در امور کارمندان بیندیش، و پس از آزمایش به کارشان بگمار... سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی، در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند، و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند، و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند.

امیرمؤمنان علیه السلام بر این باور بودند که کارگزاران باید از حقوق مالی کافی بهره‌مند باشند، چراکه بی‌نیازی مالی آنان، سبب ایجاد زمینه‌های اصلاح آنان می‌گردد: «فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ» و در این صورت است که کارکنان دولتی، بهانه‌ای برای دست‌اندازی به بیت‌المال و سوء استفاده‌های مالی نخواهند داشت: «وَ غِنَى لَهُمْ عَنِ تَتَاوُلٍ مَا تَحْتِ أَيْدِيهِمْ».

امام علی علیه السلام سه دلیل مهم و اساسی را برای تأمین کامل نیازهای مادی کارکنان دولتی بر می‌شمارد:

۱- پیش‌گیری از دچار شدن کارگزاران به فساد مالی

۲- ایجاد زمینه‌های اصلاح نفس آنان با دریافت حقوق کافی

۳- اتمام حجت والیان با کارگزاران

امام حق‌مداران، با چنین نگرشی است که تأمین نیازهای کارکنان دولتی را امری لازم و ضروری می‌داند و تلاش می‌کند، برای آنان وسعت و فراخی در معیشت و زندگی را فراهم نماید، تا آنان بدون دغدغه و نگرانی و با علاقه‌مندی و سلامت، خدمت‌گذاری و امانت‌داری نمایند. در پی این هدف، امام، کارگزاران را از این‌که حقوق کافی خود را از دولت دریافت خواهند کرد، خاطر جمع می‌کند. چنان‌چه ایشان در نامه‌ای که به مسئول جمع‌آوری زکات می‌نویسد، او را نسبت به دریافت حقوقش، مطمئن می‌سازد:

«وَ إِنَّا مُؤَفَّوْكَ حَقَّكَ فَوْقَهُمْ حُقُوقَهُمْ» (همان، نامه‌ی ۲۶) یعنی: همان‌گونه که ما حق تو را به طور کامل می‌دهیم، تو

هم باید نسبت به حقوق آنان وفادار باشی.

در میان مناصب دولتی، منصب قضاوت، جایگاه ویژه‌ای دارد چراکه منصب قضاوت نمادی از عدل و داد است و اگر این جایگاه، دچار تزلزل گردد، مردم برای دادخواهی به کجا پناهنده شوند؟ به همین دلیل، این جایگاه باید در جامعه چنان محکم باشد که هیچ‌کس نتواند به آن نفوذ کرده، قاضیان را در ظلم و تعدی، وسوسه نماید. پس عدالت اقتضا می‌کند که قضات از حقوق کافی و وافی برخوردار باشند تا جای هیچ‌گونه وسوسه و نفوذی از این راه نباشد و کار قضاوت قاضیان، به خاطر تنگی معیشت به کجی و ستم‌گری کشیده نشود. امام عدالت ورزان با احاطه به این مسئله‌ی مهم، به مالک اشتر چنین می‌فرماید:

«ثُمَّ اخْتَرْتُ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ... وَ افْسَحْ لَهُ فِي الْبَدْلِ مَا يُزِيلُ عِلَّتَهُ وَ تَقُلْ مَعَهُ حَاجَتُهُ إِلَى النَّاسِ وَ اعْطِهِ مِنَ الْمَنْزِلَةِ لَدَيْكَ مَا لَا يَطْمَعُ فِيهِ غَيْرُهُ مِنْ خَاصَّتِكَ لِيَأْمَنَ بِذَلِكَ اغْتِيَالَ الرِّجَالِ لَهُ عِنْدَكَ» (همان، نامه‌ی ۵۳) یعنی: سپس از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن... و آن قدر به او ببخش که نیازهای او برطرف گردد، و به مردم نیازمند نباشد، و از نظر مقام و منزلت آن قدر او را گرامی دار که نزدیکان تو، به نفوذ در او طمع نکنند، تا از توطئه‌ی آنان در نزد تو در امان باشد.

۳.۵.۲. اهتمام به وضع معیشتی طبقه‌ی فرودین

از منظر عدالت پیشه‌ی امام علی علیه السلام امکانات و دارایی‌هایی که خداوند به انسان‌ها عنایت فرموده، برای بهره‌مندی همگان است و عدالت اقتضا می‌کند که در دست همه‌ی مردم باشد، نه اینکه در اختیار گروه خاصی قرار بگیرد.

«أَحْمَدُهُ عَلَى عَوَاطِفِ كَرَمِهِ وَ سَوَابِغِ نِعَمِهِ» (همان، خطبه‌ی ۸۳) یعنی: او را می‌ستایم در برابر مهربانی‌ها و نعمت‌های فراگیرش.

با وجود همه‌ی نعمت‌هایی که خداوند در اختیار همه‌ی انسان‌ها قرار داده، در هر جامعه‌ای طبقه‌ای فرودین وجود دارد که به دلایل گوناگون، نمی‌توانند (یا عده‌ای نگذاشته‌اند) از امکانات موجود بهره‌مند گردند. گروه‌هایی چون: از

کار افتادگان، معلولان، سالخوردگان، یتیمان، نیازمندان، مستمندان و ... که لازم است از تأمین اجتماعی و اقتصادی لازم بهره‌مند باشند. به همین علت، امیر عدالت‌ورزان در عهدنامه‌ی مالک اشتر، او را به توجه به این طبقه از محرومان جامعه، بسیار سفارش نموده‌اند:

«وَمِنْهَا الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ ذَوِي الْحَاجَةِ وَالْمَسْكِينَةِ وَكُلُّ قَدْ سَمَى اللَّهُ لَهُ سَهْمَهُ وَوَضَعَ عَلَى حَدِّهِ فَرِيضَةً فِي كِتَابِهِ أَوْ سُنَّةٍ نَبِيَّهِ صَ عَهْدًا مِنْهُ عِنْدَنَا مَحْفُوظًا» (همان، نامه‌ی ۵۳) یعنی: و نیز طبقه پایین جامعه، یعنی نیازمندان و مستمندان می‌باشند، که برای هریک، خداوند سهمی مقرر داشته، و مقدار واجب آن را در قرآن یا سنت پیامبر تعیین کرده که پیمانی از طرف خداست و نگه‌داری آن بر ما لازم است.

مدیریتی که به دنبال ایجاد فضایی برای رفاه شهروندان می‌باشد، الزاماً باید به طبقه‌ی فرودین جامعه، توجهی ویژه داشته باشد و آنان را تحت پوشش خود قرار دهد. امام علی علیه السلام به فرمانده‌اش در این زمینه دستورالعملی کارا ارائه می‌دهد:

«ثُمَّ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزَّمْتَى فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًّا وَاحْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ وَ قِسْمًا مِنْ غَلَاتِ صَوَافِي الْإِسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ فَإِنَّ لِلْأَفْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَذْنَى وَكُلُّ قَدْ اسْتَرْعَيْتَ حَقَّهُ وَلَا يَشْغَلُكَ عَنْهُمْ بَطْرٌ فَإِنَّكَ لَا تُعْذَرُ بِتَضْيِيعِكَ التَّائِفَةَ لِإِحْكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمُهِمِّ» (همان) یعنی: سپس خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند، [و عبارتند از زمین‌گیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان. همانا در این طبقه‌ی محروم گروهی خویش‌داری کرده، و گروهی به گدایی دست نیاز بر می‌دارند، پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخشی از بیت‌المال، و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می‌باشی. مبدا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد، که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم عذری برای

ترک مسئولیت‌های کوچک‌تر نخواهد بود.

بدین سان امام علیه السلام برای تأمین معیشت و رفاه زندگی این گروه، سهمی از بیت‌المال را قرار می‌دادند و والیان را نیز به این امر دستور می‌دادند:

«فَلَا تُشْخِصْ هَمَّكَ عَنْهُمْ وَلَا تُصْعِرْ خَدَّكَ لَهُمْ وَ تَفَقَّدْ أُمُورَ مَنْ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَقْتَحِمُهُ الْعُيُونُ وَ تَحْقِرُهُ الرِّجَالُ فَفَرِّغْ لِأَوْلِيكَ نِقَّتَكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَ التَّوَاضِعِ فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ - ثُمَّ اعْمَلْ فِيهِمْ بِالْإِعْذَارِ إِلَى اللَّهِ [سُبْحَانَهُ] يَوْمَ تَلْقَاهُ فَإِنَّ هَؤُلَاءِ مِنْ بَيْنِ الرِّعِيَّةِ أَحْوَجُ إِلَى الْإِنصَافِ مِنْ غَيْرِهِمْ» (همان) یعنی: همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی برمگردان، به ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خدا ترس و فروتن هستند فردی را انتخاب کن، تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کنند؛ سپس در رفع مشکلاتشان به گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی، زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند.

در میان گروه‌های ذکر شده، امام، رسیدگی به یتیمان و کهنسالان نیازمند را تأکیدی ویژه کرده و فرموده‌اند:

«وَ تَعَهَّدْ أَهْلَ الْيَتِيمِ وَ ذَوِي الرِّقَّةِ فِي السِّنِّ مِمَّنْ لَا حِيلَةَ لَهُ وَ لَا يَنْصِبُ لِلْمَسْأَلَةِ نَفْسَهُ وَ ذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ ثَقِيلٌ» (همان، نامه‌ی ۵۳) یعنی: از یتیمان خردسال، و پیران سال خورده که راه چاره‌ای ندارند، و دست نیاز بر نمی‌دارند، پیوسته دل‌جویی کن که مسئولیتی سنگین بر دوش زمامداران است.

در این عبارت نورانی، امیرمؤمنان علیه السلام به این واقعیت اشاره می‌کند که برنامه‌ی جامع برای تأمین همه‌ی گروه‌های اجتماعی، وظیفه‌ای سنگین است و توان اجرایی بالایی می‌طلبد. اما با این وجود، دولت نباید از این مسئله‌ی مهم، غفلت ورزد و در اجرای عدالت، کوتاهی نماید.

توجه و اهمیت امام علی علیه السلام به ایتام، مشهور و معروف است. نقل‌های بسیاری درباره‌ی توجه ویژه‌ی ایشان به تأمین معیشت یتیمان بی‌سرپرست، در تاریخ ذکر شده است. در نگاه پر عطف‌ت امام، این مسئله چنان اهمیت داشت

که بخشی از وصیت ایشان را به خود اختصاص داده:

«اللَّهُ اللَّهُ فِي الْإِيْتَامِ فَلَا تُغْبُوا أَقْوَاهُمْ وَلَا يَضِعُوا بِحَضْرَتِكُمْ» (همان، نامه‌ی ۴۷) یعنی: خدا را! خدا را! در باره یتیمان، نکند آنان را گاهی سیر و گاه گرسنه بدارید، و حقوقشان را ضایع گردانید.

سیره‌ی مدیریتی امام علیه السلام در مورد پیران و ناتوانان نیز، چنین بود. امام علیه السلام به منظور سامان بخشی به وضع معیشت آنان، بودجه‌ای تعیین کرده بود. در خبری آمده، روزی امیرمؤمنان علیه السلام پیرمرد از کار افتاده‌ای را مشاهده کرد که دست نیاز به سوی مردم گشوده بود. امام با تعجب از اطرافیان پرسید: «ما هذا؟» این چیست؟ گفتند: او نصرانی است. امام علیه السلام برآشفتن و فرمودند: تا وقتی جوان بود، از او کار کشیدید و اکنون که پیر و ناتوان شده، رهایش کردید! او را از بیت‌المال تأمین نمایید. (الحر العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۴۹)

این‌گونه برآشفتن و اظهار تعجب از تکدی‌گری، نشان می‌دهد که در حکومت علوی نمی‌بایست نیازمندی وجود داشته باشد و چنان مستأصل شود که به تکدی‌گری روی آورد. امیرمؤمنان علیه السلام در دوران کوتاه حکومت خود، چنان به کارهای مربوط به نیازمندان، رسیدگی کرده بود که مشکل فقر و نداری، تا حد بسیاری کاهش یافته بود. دستور امام علیه السلام به تأمین آن مرد نصرانی از بیت‌المال نشان می‌دهد که در سیره‌ی مدیریتی آن حضرت، برای سالخوردگان و از کار افتادگان، از بیت‌المال، بودجه تعیین می‌گردید.

امیرمؤمنان علیه السلام به فرماندهان خود در مناطق مختلف، نیز دستور می‌دادند که طبقه‌ی محروم جامعه را از بیت‌المال تأمین کنند و لوازم مورد نیاز زندگی آنان را، به طور مکفی و در حد رفاه، در اختیارشان قرار دهند. حضرت در این باره در نامه‌ای به قثم بن عباس، فرماندار مکه، نوشت:

«وَأَنْظُرْ إِلَى مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ مَالِ اللَّهِ فَاصْرِفْهُ إِلَى مَنْ قَبْلَكَ مِنْ ذَوِي الْعِيَالِ وَالْمَجَاعَةِ مُصِيباً بِهِ مَوَاضِعَ الْفَاقَةِ وَالْخَلَائِطِ وَمَا فَضَّلَ عَنْ ذَلِكَ فَأَحْمِلْهُ إِلَيْنَا لِنَقْضَهُ فِيمَنْ قَبْلَنَا» (سیدرضی، نامه‌ی ۶۷؛ النوری الطبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۳۱۸) یعنی: به مال خدا (اموال عمومی) که نزد تو فراهم شده است رسیدگی کن، و آنها را به عیالمدان و گرسنگانی

که در آنجاها هستند برسان و نیازهای گوناگون آنان را برطرف ساز، و باقیمانده را نزد ما بفرست تا میان کسانی که در اینجا هستند قسمت کنیم.

در نامه‌ی دیگری که امام علیه السلام به مسئول جمع‌آوری زکات نوشت، ناتوانان و مستمندان را شریک او در استفاده از زکات، معرف کرد و از او خواست، همان‌گونه که دولت حق او را می‌پردازد، او نیز حق این طبقه را پرداخت نماید:

«وَإِنَّ لَكَ فِي هَذِهِ الصَّدَقَةِ نَصِيباً مَّفْرُوضاً وَ حَقّاً مَعْلُوماً وَ شُرَكَاءَ أَهْلِ مَسْكِنَةٍ وَ ضِعْفَاءَ ذَوِي فَاقَةٍ وَ إِنَّا مُؤَفُّوكَ حَقَّكَ فَوْفَهُمْ حَقُّوهُمْ وَ إِلَّا تَفْعَلْ فَإِنَّكَ مِنْ أَكْثَرِ النَّاسِ خُصُوماً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ بُوْسَى لِمَنْ خَصَمَهُ عِنْدَ اللَّهِ الْفُقَرَاءُ وَ الْمَسَاكِينُ وَ السَّائِلُونَ وَ الْمَدْفُوعُونَ وَ الْعَارِمُونَ وَ ابْنُ السَّبِيلِ» (سیدرضی، نامه ۲۶) یعنی: برای تو در این زکاتی که جمع می‌کنی سهمی معین، و حقی روشن است، و شریکانی از مستمندان و ضعیفان داری، همان‌گونه که ما حق تو را می‌دهیم، تو هم باید نسبت به حقوق آنان وفادار باشی، اگر چنین نکنی در روز رستاخیز بیش از همه دشمن داری، و وای بر کسی که در پیشگاه خدا، فقرا و مساکین، و در خواست کنندگان و آنان که از حقیقتشان محرومند، و بدهکاران و ورشکستگان و در راه ماندگان، دشمن او باشند و از او شکایت کنند.

۴.۵.۲. تلاش دولت در سامان بخشی به وضعیت مشاغل آزاد

در دوره‌ی علوی، عمده‌ی فعالیت مردمی که در دستگاه حکومت مشغول به کار نبودند، کشاورزی و تجارت بود، و همین مشاغل، از جمله ارکان مهم تولیدی و اثر بخش در اقتصاد جامعه به شمار می‌رفت. امیرمؤمنان به این گروه از افراد جامعه نیز بسیار اهمیت می‌دادند و شرایط را به گونه‌ای مهیا می‌نمودند که موجبات رفاه و آسایش آنان در زندگی و سامان بخشی در عرصه‌ی فعالیتشان، فراهم گردد.

قبل از پرداختن به وضعیت رفاهی این گروه در حکومت علوی، اشاره‌ای به وضعیت مالیات در آن دوره می‌شود. چراکه اکثر افرادی که شامل مالیات‌دهندگان می‌شدند، دارای مشاغل آزاد بودند.

حکومت، در نگاه امام علی علیه السلام برای مردم و در جهت احقاق حقوق مردم است، و بخشی از نیازهای مالی حکومت را

باید مردم بپردازند؛ همان‌ها که از وجود حکومت، بهره می‌گیرند و در سایه‌ی آن، به تولید و تجارت و ... می‌پردازند. به همین دلیل، از جمله برنامه‌های مهم اقتصادی در هر کشوری، مسئله‌ی مالیات است، و نظام مالیاتی صحیح و اصولی، می‌تواند تکیه‌گاه محکمی برای تحقق عدالت اقتصادی باشد. نظامی که در آن، بهره‌وری مالیات‌دهندگان مهم است، نظامی عدالت‌پیشه است، نه یک نظام مالیاتی بهره‌کش. به همین منظور، امام علی ۷ آنجا که به جمع‌آوری مالیات، دستور می‌دهد، به بهره‌وری مردم اشاره می‌کند:

« وَ تَفَقَّدَ أَمْرَ الْخَرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَ صَلَاحِهِمْ صَلَاحاً لِمَنْ سِوَاهُمْ وَ لَا صَلَاحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخَرَاجِ وَ أَهْلِهِ » (همان، نامه‌ی ۵۳). یعنی: مالیات را به گونه‌ای واریسی کن که به صلاح مالیات‌دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات‌دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد، و تا امور مالیات‌دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت زیرا همه‌ی مردم نان خور مالیات و مالیات‌دهندگانند.

در برنامه‌ی مالیاتی امام علیه السلام توجه ایشان به بهبود وضعیت مالیات‌دهندگان و مردم است. به منظور نیل به این هدف، امام یک نظام مالیاتی منعطفی را اجرا نمودند تا در شرایط مختلف اقتصادی، بتواند دستورالعمل‌های ویژه‌ای ارائه دهد. با اینکه امیرمؤمنان علیه السلام به امور مالیاتی اهمیت زیادی می‌دادند و آن‌را پشتوانه‌ای در جهت تحقق عدالت اقتصادی جامعه می‌شمردند، اما، آنجا که مالیات‌دهندگان، در عرصه‌ی فعالیتشان، دچار مشکلی می‌شدند و از سنگینی مالیات شکایت می‌کردند، امام علیه السلام دستور به انعطاف و یا بخشودگی مالیاتی می‌دادند تا وضع رفاهی، اقتصادی و معیشتی آنان، به خطر نیفتد و بتوانند سرمایه‌ی خود را بازگردانند. در این راستا، امام علیه السلام به مالک اشتر چنین می‌فرماید:

« فَإِنْ شَكُوا ثِقَلًا أَوْ عِلَّةً أَوْ انْقِطَاعَ شَرْبٍ أَوْ بَالَةً أَوْ إِحَالََةَ أَرْضٍ اعْتَمَرَهَا عَرَقٌ أَوْ أَجْحَفَ بِهَا عَطَشٌ خَفَّفْتَ عَنْهُمْ بِمَا تَرْجُو أَنْ يَصْلِحَ بِهِ أَمْرُهُمْ وَ لَا يَثْقُلَنَّ عَلَيْكَ شَيْءٌ خَفَّفْتَ بِهِ الْمَثُونَةَ عَنْهُمْ لَا يَثْقُلَنَّ عَلَيْكَ شَيْءٌ خَفَّفْتَ بِهِ الْمَثُونَةَ عَنْهُمْ فَإِنَّهُ دُخْرٌ يَعُودُونَ بِهِ عَلَيْكَ فِي عِمَارَةِ بِلَادِكَ وَ تَرْبِيْنٍ وَ لَاتِيكَ مَعَ اسْتِجْلَابِكَ حُسْنٌ ثَنَائِيهِمْ وَ تَبَجُّحِكَ بِاسْتِفَاضَةِ الْعَدْلِ فِيهِمْ مُعْتَمِداً فَضَّلْ قُوَّتِهِمْ » (همان) یعنی: پس اگر مردم شکایت کردند، از سنگینی مالیات، یا آفت زدگی، یا خشک شدن آب

چشمه‌ها، یا کمی باران، یا خراب شدن زمین در سیلاب‌ها، یا خشک‌سالی، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد، و هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد زیرا آن، اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرهای تو، و آراستن ولایت‌های تو نقش دارد، و رعیت تو را می‌ستایند، و تو از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد، و به افزایش قوت آنان تکیه خواهی کرد.

امنیت، رفاه و آسایش مردم چنان در نگاه امیرمؤمنان علیه السلام اهمیت داشت، که از کارگزاران خود می‌خواستند که هرگز مردم را در گرفتن مالیات، در تنگنا قرار ندهند. این انعطاف تا جایی بود که حضرت، نگرفتن مالیات را از برخی، بر فشار بر آنان ترجیح می‌دادند:

«حدثني رجلٌ من ثَقِيفٍ قَالَ: استعملني عليُّ بنُ أبي طالبٍ عليه السلام عليّ مُدْرَجٍ سَابُورُ فَقَالَ: لَا تَضْرِبَنَّ رَجُلًا سَوْطًا فِي جِبَايَةِ دِرْهَمٍ، وَلَا تَتْبَعَنَّ لَهُمْ رِزْقًا وَلَا كِسْوَةَ شِتَاءٍ وَلَا صَيْفٍ وَلَا دَابَّةً يَعْمَلُونَ عَلَيْهَا، وَلَا تُفَيِّمَنَّ رَجُلًا قَائِمًا فِي طَلَبِ دِرْهَمٍ قَلَّةٍ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ أُرْجِعَ إِلَيْكَ كَمَا ذَهَبْتُ مِنْ عِنْدِكَ قَالَ: وَإِنْ رَجَعْتَ وَبِحَكِّ إِثْمًا أَمْرًا أَنْ نَأْخُذَ مِنْهُمْ الْعُقُوفَ - يُعْنَى الْفُضْلِ» (ابن الأثير، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۶۰۰؛ الحسيني الفيروز آبادي، ۱۳۹۲ ش، ج ۳، ص ۱۴) یعنی: مردی از قبیله ثقیف به من گفت: علی بن ابی‌طالب علیه السلام مرا در [مالیات] منطقه بزرگ شاپورا، به کار گرفت و فرمود: «مبادا کسی را برای گردآوری درهمی، تازیانه زنی و یا روزی یا لباس تابستانی و زمستانی و یا چارپایان کار آنها را به فروش گذاری؛ و برای گرفتن درهم، شخصی را مگمار. آن مرد گفت که گفتم: ای امیرمؤمنان! اگر چنین باشد، دست خالی نزد تو برگردم، چنان که دست خالی از نزد تو رفتم! فرمود: «گرچه همان‌گونه که رفته‌ای، بازگردی. وای بر تو! همانا ما مأموریم که زیادی را از مردم، بستانیم.»

امام علیه السلام سفارش صاحبان مشاغل آزاد، از جمله کشاورزان، تجار و صنعت‌گران، را به کارگزاران خود می‌نمودند و از آنان

می‌خواستند، هرگز به این گروه‌ها ستم نکنند و وسایل رفاه و آسایش را از ایشان سلب نسازند:

«ثُمَّ اسْتَوْصِ بِالْتُّجَّارِ وَ ذَوَى الصَّنَاعَاتِ وَ أَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا الْمُقِيمِ مِنْهُمْ وَ الْمُضْطَرِبِ بِمَالِهِ وَ الْمُتَرَفِّقِ بِيَدَيْهِ فَإِنَّهُمْ مَوَادُّ الْمَنَافِعِ وَ أَسْبَابُ الْمَرَافِقِ وَ جُلَّابُهَا مِنَ الْمَبَاعِدِ وَ الْمَطَارِحِ فِي بَرِّكَ وَ بَحْرِكَ وَ سَهْلِكَ وَ جَبَلِكَ وَ حَيْثُ لَا يَلْتَنِمُ النَّاسُ لِمَوَاضِعِهَا وَ لَا يَجْتَرُّونَ عَلَيْهَا فَإِنَّهُمْ سَلْمٌ لَا تُخَافُ بَأَثَمَتَهُ وَ صَلُحٌ لَا تُخْشَى غَائِلَتُهُ وَ تَفَقَّدَ أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَ فِي حَوَاشِي بِلَادِكَ وَ أَعْلَمَ مَعَ ذَلِكَ». (سیدرضی، نامه‌ی ۵۳). یعنی: سپس سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع پذیر، و آنها را به نیکوکاری سفارش کن، بازرگانی که در شهر ساکن هستند، یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می‌باشند، و بازرگانی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند، چراکه آنان منابع اصلی منفعت، و پدید آورندگان وسایل زندگی و آسایش، و آوردندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست و دشوار می‌باشند، از بیابان‌ها و دریاها، و دشت‌ها و کوهستان‌ها، جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمی‌کنند، یا برای رفتن به آنجاها شجاعت ندارند.

امام باقر علیه السلام درباره‌ی توجه امیرمؤمنان علیه السلام به کشاورزان فرموده‌اند:

«أَنَّ عَلِيًّا علیه السلام كَانَ يَكْتُبُ إِلَى أَمْرَاءِ الْأَجْنَادِ أَنْشُدَكُمْ اللَّهُ فِي فَلَاحِي الْأَرْضِ أَنْ يُظْلَمُوا قَبْلَكُمْ» (الحمیری، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۳۸؛ الاحمدی المیانجی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۳۰۹؛ المجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ ق، ج ۹۷، ص ۳۳) یعنی: امام علی علیه السلام همواره به فرماندهان نظامی می‌نوشت: از شما می‌خواهم که مبادا فلاحت پیشگان از جانب شما مورد ظلم واقع شوند.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رسیدن به جامعه‌ای متعادل که همه‌ی افراد در آن از وضعیت رفاه و امنیت نسبتاً هماهنگ و مشابه‌ای برخوردار شوند بدون برنامه‌ریزی صحیح و اصولی ممکن نیست. برنامه‌ای که امام علی علیه السلام با هدف رونق اقتصادی در جامعه اجرا نمودند، دارای اصولی منطبق با تعالیم قرآنی بود که در جهت برقراری عدالت اقتصادی و توجه و حمایت از ستمدیدگان و محرومان جامعه، اجرا می‌شد. امام علیه السلام علاوه بر استفاده صحیح از منابع انسانی و طبیعی در جهت رونق اقتصادی

با رعایت اعتدال‌گرایی، تأکید بر امانت‌داری در امور دولتی و تلاش بر ایجاد عدالت اجتماعی، جامعه را به سوی رفاه و آسایش اقتصادی سوق دادند.

منابع

۱. ابن ابی‌الحدید، عبد‌الحمید بن هبه‌الله، شرح نهج‌البلاغه، قم: مکتبه‌ایة‌الله‌المرعشی‌النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن‌ال‌أثیر، أبو‌الحسن علی بن محمد الجزری، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت: دار‌الفکر، ۱۴۰۹ ق.
۳. ابن‌شعبه‌الحرانی، أبو‌محمد حسن بن علی بن‌الحسین، *تحف‌العقول عن آل رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم*، قم: جامعه‌المدرسیین، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن‌شهرآشوب، أبو‌جعفر محمد بن علی‌السّروی‌المازندرانی، *المناقب*، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۵. ابن‌طاووس، علی بن‌موسی، *كشف‌المحجة لثمره‌المهجة*، تحقیق حسن‌الحسون، قم: بوستان‌کتاب، ۱۳۷۵ ش.
۶. ابن‌منظور، جمال‌الدین محمد بن‌مکرم، *لسان‌العرب*، بیروت: دار‌صادر، ۱۴۱۴ ق.
۷. ابن‌هلال‌الثقفی، ابواسحاق‌ابراهیم بن محمد بن‌سعید، *الغارات*، قم: دار‌الکتاب‌الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۸. الأحمدي‌المیانجی، علی، *مکاتیب‌الأئمة*، قم: دار‌الحديث، ۱۴۲۶ ق.
۹. الأربلی، أبو‌الحسن علی بن عیسی بن‌أبی‌الفتح، *كشف‌الغمة فی معرفة‌الأئمة*، تبریز: بنی‌هاشم، ۱۳۸۱ ق.
۱۰. الأمدی‌التیمی، عبد‌الواحد بن محمد، *تصنيف‌غرر‌الحکم ودرر‌الکلم*، قم: مکتبه‌الاعلام‌الاسلامیة، ۱۳۶۶ ش.
۱۱. التمیمی‌المغربی، أبو‌حنيفة‌النعمان بن محمد، *دعائم‌الاسلام و ذکر‌الحلال و الحرام و القضا و الأحکام*، قم: مؤسسه‌آل‌البيت علیهم‌السلام، ۱۳۸۵ ش.
۱۲. حائری، محسن، *اندیشه‌های اقتصادی در نهج‌البلاغه*، ترجمه‌عبدالعلی‌آل‌بویه‌لنگرودی، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۷۸ ش.
۱۳. الحر‌العاملی، محمد بن‌الحسن، *وسائل‌الشیعة الی‌تحصیل‌مسائل‌الشريعة*، قم: مؤسسه‌آل‌البيت b، ۱۴۰۹ ق.
۱۴. الحسینی‌الفیروز‌آبادی، السید مرتضی، *فضائل‌الخمسة من الصحاح‌الستة*، تهران: دار‌الکتب‌اسلامیه، ۱۳۹۲ ق.

۱۵. الحلوانی، الحسین بن محمد بن الحسن بن نصر، *نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*، قم: مدرسة الإمام المهدي، ۱۴۰۸ ق.
۱۶. الحلبي، احمد بن فهد، *عدة الداعي و نجاح الساعي*، قم: دار الكتب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. الحلبي، الحسن بن سليمان، *مختصر البصائر*، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۲۱ ق.
۱۸. الحميري، عبد الله بن جعفر، *قرب الإسناد*، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. الديلمي، الحسن بن ابي الحسن، *أعلام الدين في صفات المؤمنين*، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۸ ق.
۲۰. الراغب الاصفهاني، أبو القاسم الحسين بن محمد، *المفردات في غريب القرآن*، دمشق، بيروت: دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۲۱. الصدوق، ابو جعفر محمد بن حسين بابويه قمی، *الأمالی*، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۲۲. الصدوق، ابو جعفر محمد بن حسين بابويه قمی، *النخصال*، قم: جامعه المدرسين ۱۳۶۲ ش.
۲۳. الصدوق، ابو جعفر محمد بن حسين بابويه قمی، *من لا يحضره الفقيه*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۲۴. الطباطبایي، السيد محمد حسين، *الميزان في تفسير القرآن*، دفتر النشر الاسلاميه، قم: ۱۴۱۷ ق.
۲۵. العرشي، امتياز عليخان، *ترجمة استناد نهج البلاغة*، تهران: عزيز الله العطاردي، ۱۳۵۱ ش.
۲۶. الفراهيدي، خليل بن احمد، *كتاب العين*، قم: نشر الهجرة، ۱۴۱۰ ق.
۲۷. الفيض الكاشاني، محمد محسن، *الوافي*، الاصفهان: المكتبة الامام أمير المؤمنين، ۱۴۰۶ ق.
۲۸. الكليني، أبو جعفر محمد بن يعقوب، *الكافي*، صححه و علق عليه علي أكبر الغفاري، طهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. الليثي الواسطي، علي بن محمد، *عيون الحكم و المواعظ*، قم: دار الحديث، ۱۳۷۶ ش.
۳۰. المجلسي، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الاطهار*، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق.
۳۱. همو، *مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول عليه السلام*، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۴ ق.

۳۲. المحمودی، محمد باقر، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۳۳. المشکینی، علی، تحرير المواعظ العددية، قم: الهادی، ۱۴۲۴ ق.
۳۴. المصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۳۵. النوری الطبرسی، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۳۶. وزّام بن أبی فراس، أبو الحسین، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه الورام)، قم: مكتبة الفقيه، ۱۴۱۰ ق.
۳۷. الیعقوبی، احمد بن أبی یعقوب بن جعفر، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی